[195] ومعاويه با من در مورد حقى منازعه مى كند كه آن براى من است، وبراى صلاح امت وقطع فتنه وآشوب آن را رها كردم، وشما با من بيعت كرده بوديد كه با هر كه صلح كنم صلح وبا هر كه بجنگم بجنگيد، به اين عقيده رسيده ام كه با معاويه سازش كنم وخط جنگ بين خود واو را پايان دهم، وبا أو بيعت نمودم وديدم كه جلوگيرى از خونريزى بهتر از ريختن آن است، وقصدم از اين كار صلاح وبقاى شماست، (وشايد اين امر آزمايشى براى ما بوده وتا زمان اندكى آنان را بهره مند سازد). (30) خطبهء آن حضرت در فضيلت پدرش بعد از آنكه صلح كرد روايت شده: بعد از آنكه امام صلح كرد معاويه از ايشان خواست كه خطبه أي بخواهد، امام امتناع كرد، أو را سوگند داد كه عمل نمايد، براى امام جايگاهى ترتيب دادند، امام بر آن قرار گرفت وفرمود: سپاس خدائى را سزاست كه در فرمانروائيش يگانه، ودر پروردگاريش تنهاست، پادشاهى را به هر كه خواهد بدهد، واز هر كه بخواهد مى گيرد، وسپاس خدائى را سزاست كه مؤمنتان را به ما گرامى _____